

پایش علی انان، محلیزیت و توسعه پایدار
بانگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهران

۱۳۸۸، شماره ۱۲، ۱۱

نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار، بعد اقتصادی هاجر خسروی^۱، حسنعلی آقاچانی^۲، مرجان مهیمنی^۳*

چکیده:

توسعه پایدار و موضوعات وابسته به این شاخه از علم اقتصاد، به دلایل مختلف از پیچیدگی خاص برخوردار است. علیرغم ادعای بعضی از پویندگان این راه جدید که در کشورهای جهان سوم به تحقیق می‌پردازند، هنوز تحقیقات در پیرامون توسعه اقتصادی بخصوص در مباحث تئوریک بسیار پر اشکال و دارای نواقص و کاستیهای فراوانی است. شاید بتوان این مطلب را به تحقیقات سایر حوزه‌های علوم دیگر نیز تعمیم داد. اشکالات و کاستی‌های ناحیه بضاعت و توانایی استفاده از متون تحقیقاتی کشورهای خارجی نشأت می‌گیرد. و در مبانی نظری و تئوریک در تحقیقاتی که بوسیله دانش‌آموختگان جوان دنبال می‌شود زیادتر می‌باشد. این امر شاید بیشتر از مقام دوم به جوان بودن تحقیقات در کشورهای جهان سوم نیز ربط پیدا می‌کند.

مقاله حاضر با هدف ارائه نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار، مروری مختصر و مستند بر ادبیات موضوعی مربوط به توسعه، توسعه پایدار، ابعاد توسعه پایدار از نظر صاحبان علم و فن ارائه گردیده است. در ادامه، طبقه بندی‌های مختلف و مباحث مربوط به آن تجمیع و به طور مستند در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ارائه و شاخص‌های بعد اقتصادی در آن خلاصه شده است در قسمت یافته‌ها، تحلیل نگارنده چگونگی سنجش توسعه پایدار اقتصادی در پایان مقاله نیز موارد مذکور جمع بندی شده و در قالب بحث و نتیجه گیری، کاربردها و پیشنهادات مرتبط با آن، جهت پیگیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه شده است.

کلمات کلیدی: نگرش، توسعه پایدار، بعد اقتصادی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۲- استادیار دانشگاه مازندران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

مقدمه:

اصطلاح توسعه در معنای جدید آن پس از جنگ جهانی دوم فراگیر شده این اصطلاح واژه ترقی را که بیانگر انسان امروزی است و همچنین بار واژه تکامل را که کاربرد اجتماعی دارد با خود همراه دارد توسعه به معنای خروج از لفاف می باشد(مقدس،۱۳۷۸،۳۹). مفهوم توسعه یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائل و چالش‌ها در میان کشورهای جهان و بخصوص کشورهای در حال توسعه(جهان سوم) مانند ایران می‌باشد(طاهری، ۱۳۷۸، ۱۱). متأسفانه علیرغم پیشرفت‌های زیاد بوجود آمده در جوامع در اثر وقوع انقلاب‌های علمی و تکنولوژیکی، هنوز درصد زیادی از مردم دنیا دارای سطح رفاه بسیار پایین در زندگی خود هستند. تجربه کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۴۵ نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، تقریباً محال است(اسدی، ۱۳۷۵، ۳۰). اگر چه دستیابی به توسعه کاری مشکل و پیچیده است اما غیرممکن نیست و نباید از تلاش در راه رسیدن به آن مأیوس شد. توسعه، فرآیندی با ابعاد و اهداف گوناگون است. در معنای وسیع کلمه، این ابعاد شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. توسعه تابعیت مستقیمی از ارزشها و اعتقادات هر جامعه داشته، و از مهمترین مسائل و چالش‌های فراروی بشر عصر حاضر است.(طاهری، ۱۳۸۰، ۲)

مقاله حاضر با هدف ارائه نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار، مروری مختصر و مستند بر ادبیات موضوعی مربوط به توسعه، توسعه پایدار، ابعاد توسعه پایدار از نظر صاحبان علم و فن ارائه می‌گردد. در ادامه، طبقه بندی‌های مختلف و مباحث مربوط به آن تجمیع و به طور مستند در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ارائه و شاخص‌های بعد اقتصادی در آن خلاصه شده است در قسمت یافته‌ها، تحلیل نگارنده چگونگی سنجش توسعه پایدار اقتصادی در پایان مقاله نیز موارد مذکور جمع بندی شده و در قالب بحث و نتیجه گیری، کاربردها و پیشنهادات مرتبط با آن، جهت پیگیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه خواهد شد.

توسعه:

اگر در شرایط کنونی که اقتصاد کشور با سه واقعیت ناکارایی و اتکای به ذخایر نفتی، کاهش سریع این منابع و افزایش جمعیت مواجه است هدف از اصلاحات اقتصادی حرکت به سمت توسعه به مفهوم سنتی آن باشد، این اصلاحات پایدار نخواهد بود و به شکست منتهی خواهد شد. توسعه فراگردی متضمن تحول و دگرگونی در جامعه به گونه ای که جامعه به توانائی استفاده از ظرفیت های بالقوه خود به منظور تامین نیازهای خود و بهتر زیستن دست یابد و آنها را به منصف ظهور برساند. برای تحقق و تداوم این فرایند باید بین اجبارهای امروز و نیازهای فردا، انگیزه های خصوصی و آزمندی شخصی و همدردی اجتماعی توازن برقرار باشد. تعدادی از اقتصاد دانان توسعه اقتصادی را صرفاً محدود به دگر گونیهای آشکار در نهادهای اقتصادی نمی دانند و معتقدند که توسعه اقتصادی متضمن تحولات عمیق و اساسی، هم در ساختارهای سیاسی و هم در ساختار های اجتماعی جامعه خواهد بود، به عنوان نمونه، هوزلیتز معتقد است که علاوه بر تحولات اقتصادی، در همه ابعاد زندگی تغییرات وسیع الزام است (افقه ۱۳۷۸، ص ۱۱۷) گرانگر توسعه را طراحی کلی برای تغییر جامعه می داند که متضمن بازنگری در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است برای اینکه توسعه انجام پذیرد لازم است که این ساختارها تغییر یابد، تا با گسستن وابستگی هایی در زمینه توسعه نیافتگی را فراهم می سازد، شرایط لازم برای توسعه بر پایه اقلیتهای موجود در هر جامعه فراهم گردد. چنین نگرشی، شناسایی توانای درون هر جامعه را بر مبنای ارائه الگوی توسعه خاص آن

جامعه فرض می کند(رشیدی، فرهادی و اصیلی، ص ۶۹). توسعه اقتصادی حرکتی جامع و پیشرو در اجتماع است(Clkine, 1973,78) توسعه فرایندی است که طی آن ظرفیتهای تولیدی و خدماتی جامعه با تاکید به علوم تکنولوژی نوین و درون زا گسترش یابد. جریان توسعه در این حالت بر تکامل علوم و کاربرد مطلوب آن در عرصه عمل تکنولوژی استوار است. (انصاری، ۵۵). توسعه در هر کشوری معنای خاصی می تواند داشته باشد، زیرا امکانات و دستاوردهای کشورها باهم یکی نیست اما آنچه در بیان و تعریف آن، به همه ممالک، می تواند شریک باشد این است که توسعه به دنبال دستیابی به مسائلی است که بتواند با آنها، آرزوها و خواسته های مردم متفاوت است. راههای گوناگون برگزیده می شود که شاید موفقیت آن، در کشورهای دیگری چندان هم مقبول نباشد. به هر حال به نظرمی رسد با قبول فرض جهانی، باید به تعریف موضوع پرداخت و آن اینست که در همه کشورها این اعتقاد پدید آمده است که قبل از توسعه در جامعه باید توسعه را ابتدا در ذهن مردم پدید آورد و پرورش داد. (پور افکاری، ص ۱۱۲). توسعه عبارت است از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن به ورود همه جانبه به مرحله ای دیگر از تاریخ، به عبارت دیگر توسعه به مفهوم علمی آن عبارت است از مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظامی تازه از زندگی پس در مفهوم توسعه چند محور اساسی یعنی مرگ، تولد و حرکت به مفهوم عمومی و اجتماعی نهفته است. (عظیمی، ۱۳۷۱، ۲۷) توسعه اقتصادی گسترش ظرفیت یک جامعه برای افزایش رفاه افراد خود طی یک دوره بلند مدت است (Teitelbaum, 1974, 749) می یرون نیز توسعه را به فرایندی که طی آن درآمد سرانه جامعه در یک دوره بلند مدت مرتب افزایش می یابد تعریف کرده است (Meier, G.M. & Baldwin, R, 1963, P.2)

توسعه پایدار:

مفهوم توسعه پایدار تاکنون به روشهای گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی استفاده شده است، اما محوری ترین ایده مربوط به کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست بوده که در ۱۹۸۷ تبیین گردیده است. بر اساس این تعریف، توسعه ای پایدار است که بتواند احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی های نسل های آتی برای برآورده سازی نیازمندی هایشان تامین کند (کلانتر و برارپور، ۱۳۸۵، ص ۲).

توسعه ای پایدار و واقعی خواهد بود که آسیب های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به نسلهای آینده وارد نیاید و بر مبنای اصل مشارکت استوار باشد. اما بعد جنگ جهانی دوم هر جا سخن از توسعه به میان می آمد، بعد اقتصادی آن در ذهن تداعی می شد (مجتبی عطار زاده، ۱۸۷). فلسفه توسعه پایدار در صدد آن است که اهمیت محیط زیست را در سیاست گذاریها ارتقا بخشد به گونه ای سرمایه گذاری در جهت بهبود کیفیت محیط زیست یا جلوگیری از تخریب آن، از نظر اجتماعی دارای اولویت زیادتری از گذشته باشد. توسعه پایدار توسعه ای است که در آن تامین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر است (رکن الدین، افتخاری و رحیمی ص ۳). تعریفی از توسعه پایدار که در اکثر منابع ذکر شده توسعه ای است که نیازهای نسلهای کنونی را بدون خدشه وارد ساختن به توانایی نسلهای آینده در تامین احتیاجاتشان برآورده می کند (کوچکی، ۱۳۸۰ ص ۴۰). مؤلفه های توسعه پایدار عبارتند از: (۱) انسان؛ (۲) محیط زیست؛ (۳) فرهنگ؛ (۴) آموزش؛ (۵) علم؛ (۶) اخلاق؛ (۷) امنیت؛ (۸) مشارکت. و عوامل توسعه پایدار شامل: (۱) دولت ها؛ (۲) سازمان های بین المللی؛ (۳) سازمان های غیر دولتی؛ دانسته اند. (نصیری، ۱۳۸۴، ۲۳۷-۱۸۹). توسعه پایدار توسعه ای است جامع، متوازن،

متداوم، درون‌زا و هماهنگ با ارزش‌ها و باورهای جامعه. به عبارتی دیگر توسعه‌ای است که در عرصه‌های گوناگون نوعی توسعه اجتماعی، اق (Meier, G.M. & Baldwin, R, 1963, P.2) تصادی، فرهنگی، سیاسی وجود داشته باشد و به هر یک از این عرصه‌ها مطابق با ارزش‌های جامعه، وزن خاصی بدهد. (باقریان، ۱۳۸۲، ۴۵ و ۱۵۴) مقوله‌ای که با نام توسعه پایدار می‌شناسیم، بر یک نظم اقتصادی استوار شده است این نظم اقتصادی در طول زمان از نظر محتوا، روش‌شناسی و هدفهای اصلی خود تغییر کرده است. مبحث توسعه اقتصادی به صورت سازمان یافته با کتاب ثروت ملل آدام اسمیت (۱۷۷۶) که به اقتصاددانگلوستان در یک دوره نسبتاً طولانی مربوط می‌شود آغاز شد. الگوهای اولیه توسعه، رشد را تابعی از عامل سرمایه به ویژه سرمایه خارجی می‌دانستند. در الگوی رشد پذیرفته شده دو شکافی، یک شکاف بین سطح سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای دستیابی به نرخ رشد هدف و سطح پس‌انداز داخلی وجود دارد. در حالی که شکاف دوم، شکاف بین واردات مورد نیاز (برای تامین سطح سرمایه‌گذاری مورد نیاز) و درآمد‌های صادراتی است. ممکن است برای پر کردن هر دو شکاف نیاز به سرمایه خارجی داشته باشیم. ولی محدودیت و مانع اصلی رشد، ارزش‌های خارجی است. برنامه ریزی و دخالت دولت در سرمایه‌گذاری‌ها مستقیم دولتی، شامل هدایت این سرمایه‌گذاری‌ها به بخش خاص می‌شود. لازمه رشد پایدار این است که در جریان رشد، یک بخش همگام با سایر بخش‌ها گسترش یابد و از آنها عقب نماند. زیرا رشد، متکی به حمایت‌های دو جانبه و تکمیلی سایر بخش‌ها است. بنابراین امور زیربنایی نباید سریعتر از بخش صنعتی یا بخش کشاورزی رشد کند، تولید مواد خام نباید از تولید کارخانه‌ای رشد سریعتری داشته باشد و تولید کالاهای مصرفی نباید از صنایع کالاهای سرمایه‌ای شتاب بیشتری بگیرد. به موازات آنکه ارتباط میان رشد اقتصادی و ابعاد اجتماعی و زیست محیطی توسعه بهتر درک می‌شود متخصصان و اقتصاددانان بر این مهم هم‌نوا می‌شوند که توجه یک جانبه به رشد اقتصادی به نحو اجتناب‌ناپذیری توسعه را ناپایدار می‌سازد یعنی نمی‌تواند برای مدت طولانی به همین سیاق ادامه یابد (کلانتز و برارپور، ۱۳۸۵، ص ۲) توسعه پایدار فرایندی است که سیستم‌های اقتصادی، مالی و تجاری، انرژی، کشاورزی و صنعتی و همه سیاست‌های دیگر چنان در آن طراحی شده است که موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناسی پایدار باشد به این منظور مصرف درازمدت کنونی نمی‌تواند با بدهکار کردن آینده‌گان تامین مالی شود (شوئیلی، ۱۳۸۰، ۱۷۴).

ابعاد توسعه پایدار، بعد اقتصادی

هدف از برقراری توسعه پایدار در کشورهای مختلف متفاوت به نظر می‌رسد اما با وجود همه تفاوت‌ها به نظر می‌رسد هدف‌های مشترکی وجود داشته باشد. اکثر کشورهای در حال توسعه در یک رشته از هدف‌های مشترک و کاملاً روشن سهیم هستند این هدف‌ها شامل کاهش فقر و نابرابری و بیکاری، تامین حداقل سطح آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و غذا برای افراد متبوع کشور و نیز گسترش امکانات اقتصادی، اجتماعی و ایجاد همبستگی ملی می‌شود. (Tadar, ۱۹۴۲، ۳۸). توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

صاحب‌نظران ابعاد گوناگونی را برای توسعه پایدار در نظر گرفتند که در مقاله حاضر یکی از مهمترین این تقسیم‌بندیها، در نظر گرفتن ۴ بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای توسعه پایدار است. (سپهر، ۱۳۸۸، ۷)

بعد سیاسی، شاخص‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهد که معتقد متمایز سازی نوسازی سیاسی و توسعه سیاسی است: به نظر ساموئل هانتینگتون نوسازی سیاسی عبارت است از گسترده شدن آگاهی سیاسی به درون گروه‌های اجتماعی جدید و بسیج این گروه‌ها به درون سیاست. اما توسعه سیاسی عبارتست از آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی‌های پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه. به عقیده او مسأله اساسی سیاست، لنگ لنگان رفتن توسعه نهادهای سیاسی به دنبال توسعه اجتماعی و اقتصادی است. (امین زاده، ۱۳۷۶، ۱۱۰).

بعد فرهنگی که منظور از آن دگرگونی‌ای است که از طریق تراکم برگشت ناپذیر عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل مؤثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت ناپذیر، معارف، فنون، دانش، تکنیک به عناصری که از پیش وجود داشته و از آن مشتق شده است، افزوده می‌شود (توسلی، ۱۳۸۰، ۱۹۳).

بعد اجتماعی، شاخص‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهد که در ارتباط مستقیم با انسان است و به عنوان تسهیل‌گر یا بازدارنده فرایند ارتقاء کیفیت زندگی مردم است. مایکل جان استون (۱۹۹۳) توسعه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند:

" توسعه اجتماعی اساساً به مفهوم افزایش ظرفیت و تنوع سازمانی آن، تعامل دو جانبه گروه‌ها و منافع، مشروعیت سیاسی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، افزایش تعامل بین جامعه مدنی و حکومت بوده به طریقی که خود اتکایی هر دوی آن‌ها و انجام آن‌ها شود و توازن کلی‌تر بین فرصت‌های سیاسی و اقتصادی در جامعه فراهم گردد." (دعایی، ۱۳۸۵، ۲۲).

بعد اقتصادی، ناظر بر چگونگی توزیع و استفاده منابع محدود مورد نیاز برای ارتقاء زندگی مردم است توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن یک جامعه از مرحله به مرحله بالاتری از پیشرفت اقتصادی می‌رسد. این فرآیند از طریق یک رشته تغییرات در ساختارهای اقتصادی و غالباً ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد (روزبهان، ۱۳۸۱، ۵).

تبیین بعد اقتصادی توسعه پایدار:

استفاده از شاخص‌های مناسب، منجر به تصمیم‌سازی بهتر و اقدامات موثرتر از طریق ساده‌سازی، شفاف‌سازی و تبدیل انبوهی از اطلاعات به اطلاعات قابل استفاده جهت تصمیم‌گیرندگان می‌گردد.

راهبردهای ملی برای توسعه پایدار در هر کشور همراه با مجموعه مکمل آن یعنی شاخص‌ها قابلیت لازم را جهت پایش روند توسعه امکان‌پذیر خواهد نمود ضمن اینکه نباید فراموش نمود که موضوع توسعه پایدار به همه‌آحاد یک جامعه تعلق دارد لذا این حق همگان است که به وضوح از وضعیت مطلع بوده تا بتوانند بطور فعالانه در پیشبرد اهداف ملی مشارکت نمایند.

امروزه بسیاری از دولتهای ملی و سازمان‌های بین‌المللی در حال تدوین مجموعه شاخص‌های خود برای توسعه پایدار هستند، دلیل لزوم استفاده از شاخص‌های پایداری به ضرورت استفاده از مفهوم توسعه پایدار در عمل و

ارزیابی آن بر مبنای معیارهای فرهنگی - اجتماعی و زیست محیطی به همراه معیارهای اقتصادی باز می گردد) (عامری، ۲)

باید بین دو مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارآیی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد.

توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. (راغفرو هاشمی، ۱۳۸۲، ۴۰)

توسعه پایدار از بعد اقتصادی (توسعه اقتصادی) ۲ به وسیله شاخصهای مختلفی اندازه گیری می شود که در اینجا به ۲ دسته شاخص های اصلی و شاخصهای فرعی تقسیم می شود :

- شاخص های اصلی

الف- شاخص درآمد ملی سرانه: برای محاسبه درآمد سرانه دو فرمول وجود دارد.

ب- شاخص تولید ناخالص ملی سرانه: تولید ناخالص ملی کشور را بر جمعیت تقسیم کرده عدد به دست آمده درآمد سرانه کشور است. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دلار در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار.

به عنوان شاخص رفاه نسبی اقتصادی در کشورهای مختلف به کار برده می شود. تولید ناخالص ملی، خود عمومیترین شاخص سطح فعالیت اقتصادی است. نرخ های رشد تولید ناخالص ملی در کشورهای درحال توسعه به مراتب کند تر از کشورهای توسعه یافته کندتر است (Tadar، ۱۹۴۲، ۴۱).

- با استفاده از شاخص برابری قدرت خرید (PPP) ۱ روشی که سازمانهای بین المللی آمار خود را براساس آن محاسبه می کنند. از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد.

هر دوی این آمارها قابل اتکاء هستند اما مفاهیم آنها قدری متفاوت است، معنی آمار براساس قدرت خرید این است که: چه مقدار درآمد به قیمت ایران قدرت خریدی به اندازه همان مقدار در دیگر کشورها دارد و در واقع هم همه کشورها قدرت درآمد را با قدرت خرید مقایسه می‌کنند. سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هر دو آمار را با هم ارائه می‌دهند.

به طور ساده برابری قدرت خرید نظریه‌ای است که می‌گوید نرخهای مبادله بین دو ارز زمانی در تعادل هستند که قدرت خریداری آنها در هر دو کشور یکسان باشد. این بدان معنی است که نرخ مبادله بین دو کشور باید به نسبت سطح قیمت سبد ثابتی از کالاها و خدمات برابر باشند. هر زمان سطح عمومی قیمت درونی کشوری افزایش می‌یابد، نرخ مبادله پول آن باید به منظور واکنش تورم و برابری قدرت خرید کالاها و خدمات کاهش یابد. در حقیقت برابری قدرت خرید، قانون یک قیمتی کالاها و خدمات را مطرح می‌سازد. برای مثال زمانی که نرخهای مبادله زوج ارز دلار کانادا - دلار ایالات متحده ۱٫۵ است و یا به عبارت دیگر ۱ دلار ایالات متحده توان خرید ۱٫۵ دلار کانادا را دارد، آنگاه یک دستگاه رایانه که در کشور کانادا ۱۵۰۰ دلار کانادا ارزش دارد، باید همان دستگاه رایانه در کشور آمریکا با ۱۰۰۰ دلار ایالات متحده خریداری شود. بنابراین برای بدست آوردن نرخ مبادله بین کانادا و ایالات متحده کافی است که سطح عمومی قیمت در کانادا را بر سطح عمومی قیمت ایالات متحده تقسیم کنید. چنانچه کشور کانادا دارای نرخ تورم سالانه یک درصدی و ایالات متحده نرخ تورم ۳ درصدی سالانه را تجربه نمایند، آنگاه دلار ایالات متحده در برابر دلار کانادا به میزان ۲ درصد در سال کاهش خواهد یافت .

اختلاف بین برابری قدرت خرید و نرخ واقعی مبادله می‌تواند مهم و معنی دار باشد. برای مثال تولید ناخالص داخلی سرانه هر چینی در حدود ۱۵۰۰ دلار است، در حالی که بر مبنای برابری قدرت خرید این میزان تا ۶۲۰۰ دلار افزایش می‌یابد. در مثال دیگر درمی‌یابیم که تولید ناخالص داخلی اسمی سرانه هر ژاپنی، در حدود ۳۷۶۰۰ دلار است، اما رقم برابری قدرت خرید آن تنها ۳۱۴۰۰ دلار می‌شود. در جایی که برابری قدرت خرید هم سنجی و مقایسه می‌شود، نیاز است که اثر تورمی در طی زمان مورد توجه قرار گیرد .

ج- شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI) کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به توسعه پایدار به جای توسعه اقتصادی، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.

۳٫۱ شاخص‌های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراناهان (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد (بعد شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).

د- شاخص توسعه انسانی (HDI) این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است). (متوسلی، ۱۳۸۲، ۶۲)

شاخص های فرعی

گونار میردال دانشمند و اقتصاددان فقید هلندی، شاخصهای زیر را بعنوان معیارهای سنجش و اندازه گیری توسعه اقتصادی برشمرده است :

خردگرایی، توسعه دانش، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح زندگی، برابری اقتصادی و اجتماعی، بهبود نهادها و رفتارها و عادات و رسوم، استحکام و قوام ملی، دموکراسی، انضباط اجتماعی. استریتن معتقد است که توسعه یک جامعه بر اساس میزان و درجه ارضاء نیازهای افرادش سنجیده می‌شود (Streeten, 1972). عموماً این‌گونه گفته می‌شود که شاخصهای ترکیبی، معرف بهتری از وضعیت توسعه اقتصادی و رتبه‌بندی آنها هستند. تودارو و تیروال مجموعه‌ای از شاخص‌های ترکیبی نظیر امید به زندگی، سطح سواد، تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص توسعه انسانی و غیره را معرفی نموده، و آدلن و موریس نیز نزدیک به چهل شاخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به عنوان معیار سنجش توسعه عرضه کرده‌اند (متوسلی، ۱۳۸۲، ۲۸). به منظور سنجش سطح توسعه‌یافتگی جوامع و مقایسه آنها با یکدیگر، بجای استفاده از شاخصها و معیارهای ساده و منفرد، بهتر است از شاخصهایی ترکیبی نظیر توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی، توسعه انسانی و غیره استفاده شود (روزبهان، ۱۳۸۱، ۳۳-۱۳). در جوامع امروزی، عوامل مختلف و متعددی در بوجود آمدن توسعه اقتصادی نقش دارند. به عبارت دیگر، شاخصها و عوامل زیادی وجود دارند که می‌توانند بر سطح توسعه یافتگی جوامع محلی و منطقه‌ای تأثیرگذارند (Kavangan, 1972).

استراتژی های مختلف توسعه اقتصادی: در طول چند دهه اخیر، کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط، فرصت ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود، استراتژی های مختلفی را در پیش گرفتند، این استراتژی ها به طور کامل قابل تفکیک نیستند بلکه طیفی را تشکیل می دهند که استراتژی های زیردر آن قرار می گیرند:

۱- استراتژی پولی؛ ۲- استراتژی اقتصاد باز؛ ۳- استراتژی صنعتی شدن؛ ۴- استراتژی انقلاب سبز؛ ۵- استراتژی توزیع مجدد؛ ۶- استراتژی سوسیالیستی توسعه (گریفن، ۱۳۸۲).

در یک تعریف کلی، توسعه اقتصادی را رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی تعبیر کرده اند، به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی، ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای اقتصادی را نه به صورت مکانیکی، بلکه به صورت ارگانیکی و زیستی در بر می گیرد و در تعریف دیگری، توسعه اقتصادی را ارتقای فراگیر و همه جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته اند (متوسلی، ۱۳۸۲، ۱۲).

یافته ها:

هدف از نگارش مقاله حاضر ارائه نگرشی نوین به ابعاد توسعه پایدار و شناسایی اهمیت و ضرورت آن همراه با ارائه شاخص های سنجش بعد اقتصادی آن بوده است.

شاخص های اصلی	شرح مختصر
درآمد ملی سرانه	از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود.
شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI)	در این روش، هزینه‌های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید.
شاخص های ترکیبی توسعه	از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند.
شاخص توسعه انسانی (HDI)	درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (دربدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است). (متوسلی ۱۳۸۲، ۶۲)
شاخص های فرعی	خردگرایی، توسعه دانش، افزایش بهره‌وری، ارتقاء سطح زندگی، برابری اقتصادی و اجتماعی، بهبود نهادها و رفتارها و عادات و رسوم، استحکام و قوام ملی، دموکراسی، انضباط اجتماعی.

نتیجه گیری:

هدف از ارائه مقاله حاضر ارائه رویکردی نوین به توسعه پایدار و ابعاد آن بوده است در این مقاله از جدیدترین نگرش تقسیم بندی توسعه پایدار استفاده شده که تقسیم آن به ۴ بعد، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در مقاله حاضر با تاکید بر این موضوع که زمانی یک کشور به توسعه پایدار دست می یابد که به همه ابعاد به طور هماهنگ توجه کند چرا که توجه بیش از حد به یک بخش و عدم توجه به بخش ها دیگر نه تنها توسعه پایدار را شامل نمیشود بلکه موجبات توسعه نیافتگی را هم فراهم می کند، به بررسی بعد اقتصادی توسعه پایدار و تعیین مهمترین شاخص های اندازه گیری آن پرداخته شده است، لذا انجام تحقیقات در زمینه ابعاد دیگر توسعه پایدار و ارائه الگویی شایسته و معیارهای سنجش مناسب می تواند کشورها در این امر یاری رساند. در این مقاله سعی شده است ابتدا در رابطه با ۴ بعد ارائه شده توضیحات مختصری داده شود، سپس به بررسی عمیق تر بعد اقتصادی و ارائه شاخصهایی ری اندازه گیری این توسعه در جوامع داده شود. امید است این مقاله زمینه ساز انجام تحقیقات گسترده تری در این زمینه شود.

پیشنهادات:

با توجه به مستندات ارائه شده در متن مقاله، عناوین زیر به عنوان پیشنهاداتی به منظور انجام تحقیقات آتی در ارتباط با موضوع مقاله حاضر می تواند ارائه گردد:

- ۱- نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار- بعد اجتماعی؛
- ۲- نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار- بعد فرهنگی؛
- ۳- نگرشی نوین در ابعاد توسعه پایدار- بعد سیاسی؛
- ۴- بررسی تاثیر شاخص های توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته

منابع و مأخذ:

۱. جنیفر آ. الیوت ، مقدمه ای بر توسعه پایدار ، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی
۲. دیوید دبلیو جرج ارفورد، دنیایی بیکران اقتصاد، محیط زیست ترجمه عوض کوچکی
۳. توسعه اقتصادی و محیط زیست ، توسعه اقتصادی و محیط زیست ، مقایسه بین اقتصاد توسعه صنعتی و توسعه پایدار ترجمه حمیدرضا ارباب ۱۳۷۶
۴. جلال مقدس ، مدیریت توسعه ۱۳۷۸ ص ۳۵
۵. افقه ، توسعه فرهنگی مجموعه مقالات همایش و سیاست های مدیریت
۶. تودارو، مایکل. (نویسنده)، (۱۳۸۳)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، فرجادی، غلامعلی. (مترجم)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات کوهسار.
۷. عظیمی، حسین. (۱۳۷۱)، مدار های توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: انتشارات شرفی.
۸. متوسلی، محمود. (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات سمت.
۹. باقریان، محمد. (۱۳۸۲)، چالش های اساسی توسعه ملی و روندهای جهانی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۱۰. نصیری، حسین. (۱۳۷۹)، توسعه پایدار : چشم انداز جهان سوم، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
۱۱. تودارو، مایکل. (۱۳۷۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم (جلد اول)، غلامعلی، فرجادی. (مترجم) تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. طاهری، شهنام. (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران: نشر هستان.
۱۳. دعائی، حبیب اله، (۱۳۸۵)، مدیریت توسعه، مشهد: انتشارات بیان هدایت نور
۱۴. اسدی، علی. (۱۳۷۰)، مدیریت استراتژیک از دیدگاه اجتماعی، نشریه مدیریت دولتی، (۱۴).
۱۵. محمد حسین محمودیان شوئیلی، مقاله توسعه پایدار و منابع انسانی (همایش ملی مدیریت اراضی - فرسایش خاک و توسعه پایدار)
- 16- Introduction to Sustainable Development, London: Rutledge, Ltd, Co 2. , (Elliott, J.A.Ah, 1994).
- 17-United Nation, Division for Public Administration, Decentralization for National and Local Development, (New York, U.N. 1962).
- 18-Willian R Cline, Income Distribution and Economic Development; A Survey and Test for selected Latin American Cities 1973.
- 19- Michael S Teitelbaum, Populasion and development : Is aConcensus Possible. 1974 p 794
- 20- Streeten ,P...(1972) , **The Frontires Of Development Student** ,Macmilan.
- 21- Kavangan , D (1972) **political culture** , London : macmillan press LTD